

# زندگی بهاری

ساجده مرادی

دانشجوی دکتری  
آب و هواشناسی

کتاب بسیار گرانبهادر سلول‌های بهاری را خواندم، آتش شوقی در جانم شعله ور شده که می‌دانم نوری خواهد بود برای من در مسیر زندگی... و البته برای هر

انسانی که می‌خواهد زندگی روشنی را در این دنیا تجربه کند؛ حیاتی که قلباً ایمان دارم، ختم آن عاقبت بخیری است.

چطور می‌شود فصل‌های زندگی یک انسان بهار در بهار باشد... چطور می‌توان فرودهای خزان زندگی را با علم و عمل و قلم، تبدیل به فرازهای زیبای بهاری کرد.

من در "سلول‌های بهاری" جوانه‌های امید را روی درخت شکوهمند زندگی دیدم که با ایمان و سیرت زیبای استاد حسین بهاروند، شکوفا می‌شوند و با همراهی نور زندگی ایشان، استاد پروانه فرزانه، درخت زندگی، سبزه‌تر، ریشه‌دارتر، و ثمره‌اش بیشتر می‌شود. هرچه ورق زدم و جلوتر رفتم، انسان‌های زیادی را یافتم که زیر سایه درخت زندگی ایشان متولد شدند، قد کشیدند و بعدتر آدم‌هایی را شناختم از جنس معرفت که مدام ریشه‌های حیات طیبه را آب دادند و برای خلقت نور، امید، عشق، ایمان و انسان، سر از پا نشاناختند و در لباس علم و دانش، مومنانه، واژه‌ی بندگی را معنا کردند.

استاد حسین بهاروند، پدر سلول‌های بهاری، پدر علم، پدر نور، پدر تک‌تک فرزندان که زیر سایه درخت پر بار زندگی ایشان قدمی کشند. استاد صبور مسیر علم! دوست دارم خیره به نور زندگی تان بمانم تا یادم باشد می‌توان انسان بود اما از جنس نور بود و چنان زندگی پر برکتی داشت که برکاتش در تولد و تداوم زندگی انسان‌های دیگر متبلور شود. استاد بهاروند و استاد فرزانه، زندگی پرنوری را آغاز کردند که با وجود پرواز زود هنگام پروانه‌ی مهربان این بهار زیبا نوزاد خالق نور، زندگی سبزشان الگوییست همیشگی، برای چگونه قدم برداشتن در مسیر علم، تحصیل، زندگی مشترک، پیشرفت، خلق نور، خلق امید، خلق معرفت...

یک جایی ناامید می‌شوم، می‌شکنم، بیمار می‌شوم، دست و دلم برای شروع و برای ادامه‌ی راه می‌لرزد، غم در دلم زیانه می‌کشد، یک جایی کم می‌آورم، خسته می‌شوم اما درست همان زمان زندگی بانو پروانه را با خودم مرور می‌کنم، فصل کوتاهی از زندگی این بانوی فرهیخته در سلول‌های بهاری.. مادری که می‌توانم به او متوسل شوم، به یاد او، به راه او و به منش او، هرگاه چنین بود و چنین توسلی را رقم زدم، ام، قوت گرفته‌ام، دست به روی زانو، بلند شده‌ام.

رضوان خدا منزل اوست و غفران الهی نصیب او که فرشته‌ای بود، یار و یاور استاد حسین بهاروند.

جمله‌ها برای ستودن بسیار است و مجال کوتاه.

سپاسگزارم از نویسنده ارجمند این اثر و تمام کسانی که واسطه‌ی خیر کثیر می‌شوند و زیبایی زندگی انسان‌های بزرگ را انعکاس می‌دهند.

## جوانی که نام ایران را در دنیا بلندآوازه کرد



م. همتی

«توریان نخبه‌ای وجود ندارد، فقط آدم‌هایی وجود دارند که تا سرحد مرگ

تلاش می‌کنن»، این را دخترش بارها در تعاملات و رفتارهای پدر دیده بود و در جواب دوست دبیرستانی‌اش که از شنیدن نام رویان و نخبه‌های علمی آن به وجد آمده بود، گفته بود. دختری که ۵ سال اول زندگی‌اش را به خاطر مشغله‌های علمی پدر در رویان و بیماری مادر، دور از مهر آغوش پدر و دستان محبت‌آمیز مادر، در دامن مادر بزرگ رشد کرد. دختری که اگرچه سختی‌ها و گریه‌های پدر را در فراقش ندید اما بعدها حتماً شنید: حتماً شنیده قصه پسر بچه‌ای را که هر چند در اصفهان به دنیا آمد اما هیچ‌گاه از اصالت و سادگی سیاه‌چادرهای عشایری کوه طاف خرم‌آباد فاصله نگرفت؛ حتی زمانی که در بهترین دانشگاه‌ها و مراکز علمی استرالیا و سوئیس و آلمان و ژاپن و آمریکا و... مشغول تحقیقات علمی‌اش بود. هنوز هم که هنوز است محبوب‌ترین غذایش همان «آوگوجه»‌ای است که در روستای پدری‌اش ناصروند، در کنار عموها و عمه‌هایش می‌خورد. حتماً شنیده است داستان پسر بچه‌ی سوم چهارم دبستانی را که یک روز همه‌ی اسباب‌بازی‌هایش را جمع کرد و برد جلوی در خانه‌شان بساط کرد و فروخت و از همانجا شروع کرد به دست‌فروشی تا دستش در جیب خودش باشد تا جیب پدر کارگزش.

پسر بچه‌ای که دست‌فروشی‌ها و آلاسکا آلاسکاهای تابستان، بعدها در نوجوانی او را به کارگری در باغ‌ها و ساختمان‌های در حال ساخت مردم سوق داد، اما این کار کردن‌ها نه تنها او را از درس و مشق جدا نکرد، بلکه همیشه جزو نفرات اول کلاس بود. حتی زمانی هم که دانشجوی زیست‌شناسی دانشگاه شیراز بود و برای تعطیلات عید به فولادشهر آمده بود می‌رفت در کارخانه ذوب‌آهن، آهن‌قراضه‌ها را یکی‌یکی از زیر خاک و لابه‌لای آت و آشغال‌ها درمی‌آورد و همراه دوستش می‌ریخت پشت نیسان تا به کارخانه ذوب‌آهن ببرند و در کوره‌ها استفاده شود.

دانشجو حسین بهاروند با توسل به امام رضا (علیه‌السلام) در سال ۷۴ وارد رویان شد و با تلاش و پشتکار خودش و پشتیبانی‌ها و حمایت‌های شهید دکتر سعید کاظمی آشتیانی کشور را صاحب دانش سلول‌های بنیادی کرد و به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی، این جوان توانست نام ایران را در دنیا بلندآوازه کند.